

پیداری شرق



فرید سیاوش



زیر پوست حوادث و جریانات جهان، زمین لرزه دگرگون کننده در گردش است؛ اورشیا دارد بلند تر قد میافزاد و قدرت در حال انتقال از غرب به شرق است. شرق نه با آیه های آسمانی بلکه با آیه های زمینی علم تکنالوژی و باور به فلسفه رهایی از افسون اساطیر کهن پا به میدان گذاشته است. چنین وضعیت کمتر شناخته شده که پیشروی همه ما قرار دارد هم نشاط آور و امیدوار کننده است و هم ترسناک. نشاط آور البته در آینده و در دراز مدت و اما ترسناک در امروز و کوتاه مدت. باور این حکم بسیار مشکل است که سرانجام همه امپراتوری های زر و زور برچیده خواهند شد و ما در مرحله نهایی نظم نوین جهانی هستیم که از بازی رولت روسی که انجام دادند، جان سالم نخواهند بُرد، زیرا اسلحه را با ماشه کشیده تسلیم پوتین کرده اند.

سفر رییس جمهوری چین (شی جین پینگ) به روسیه و ملاقات های استراتژیک پشت پرده با پوتین کلید این تغییر مهم را که مقدمات آن از قبل چیده شده بود زد. از طرف دیگر تشکیل دو ساختار سیاسی، امنیتی و اقتصادی بزرگ شانگهای و بریکس (برازیل، روسیه هندوستان، چین و افریقای جنوبی) با پذیرش کشور های (مصر، افغانستان، الجزایر، اندونزی، قزاقستان، نیکاراگوا، نایجریا، سینگال، تایلند، امارت متحده عربی، ارجنتاین، ایران، عربستان سعودی، زمبابوی، عراق) و دریافت تقاضای عضویت کشور های (کوستاریکا، سلووادور، گواتیمالا، هندوراس، پانامه، بولیوی، چیلی، کوبا، اکوادور، ونزیولا، یوروگوای، آذربایجان، منگولیا، تاجیکستان، ترکمنستان، اوزبیکستان، پاکستان، سیرلانکا، ویتنام) دارد به یک قدرت بزرگ تبدیل میشود به یک سازمان ملل متحد دیگر.

مساله را باید کمی شگفت؛ بگونه ساده میتوان گفت که مفهوم نظم نوین جهانی آرزو و هدف تعدادی از بانکداران بین المللی بود و است که قصد داشتند و دارند از نظر اقتصادی و سیاسی بر تمام کره زمین به عنوان یک خانواده خوشبخت

حاکم شوند و این حرکت از سال ۱۷۷۳ آغاز شد با وجود آنکه در طول سالها تغییرات مهمی را تجربه کردند اما مفهوم و هدف اصلی آن پروژه در شکل و محتوا تغییری چندانی نکرده است. این بانکها که از سال ۱۹۴۴ تاکنون کره زمین را از طریق گردش دلار آمریکا دارند غارت میکنند؛ حالا در معرض تهدید تورم قرار گرفته زیرا دستگاه چاپ آنها که سالهاست برای پوشش هزینه های پوچ آنان بخاطر راه اندازی، حفظ و گسترش جنگهای نفت و سایر منابع مهم مانند قهوه، تنباکو، تریاک و... در چرخش بود، گردش رو به پایان یافته است.

برای جلوگیری از این تورم بزرگ، آنها دست به حمله ویروسی زدند تا با کمک ارزشمند رسانه های بدنام خود وحشت را در مردم گسترش دهند. اگرچه این ویروس (کرونا) با ویروس های جدیدی که هر ساله به انسان حمله می کنند تفاوتی چندانی ندارد، اما رسانه ها مردم را تحت فشار قرار می دهند تا داوطلبانه خود را از طریق ترس و وحشت منزوی کنند. تعداد بزرگی شغل خود را از دست دادند، شرکت ها در حال ورشکستگی قرار گرفتند، وحشت سقوط بورس اوراق بهادار موجب گردیده که کیف پول و دارایی های خشک شده را خالی و در نتیجه چند تریلیون دلار مجازی از بازار خارج شد تا فشار بر ارز را کاهش دهند.

بانکداران بین المللی در سال ۱۹۹۵ که ۹۵ درصد زمین را پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی تحت سلطه خود درآوردند، نمی توانند تماشاگر این سقوط باشند. جهان سرمایه در خط خلق بحران برای سود جویی بیشتر و چاق شدن سرمایه شان جنگ اوکراین را سازمان دادند تا روسیه را خورد و خمیر کرده آنرا به حد اقل هفت کشور تجزیه و بر منابع زیر زمین و سر سرزمینی آن دست آزاد پیدا کنند و همچنان در شرق دور بحران تایوان را خلق کردند تا چین را درگیر کرده و ماشین اقتصاد و تکنالوژی پیشرونده اش را متوقف یا ضربه بزرگ زده و پول های ذخیره شده چین در بانکهای غربی را به یغما برده و جایداد های خریداری شده اش در سر زمین های بیرون از چین را ضبط کرده و تصاحب شوند.

اگر به گذشته برگردیم هنگامی که ولادیمیر پوتین مسئولیت روسیه را به دست گرفت، هیچ نشانه ای وجود نداشت که او بهتر از مست که جایگزینش شده بود، عمل کند. به نظر می رسید یک افسر سابق KGB بیشتر در خط نوستالژی قرار دارد تا خط ایدئولوژی. اما پوتین ارزش های بیشتری را در دل و دماغش کاشته بود: میهن پرستی، انسان دوستی، احساس عدالت، شجاعت و جسارت، توانمندی بالا روسیه بزرگ و مقتدر و داشتن یک دوست اقتصاددان نابغه به نام سرگئی گلایف که آشکارا نظم نوین جهانی را تحقیر می کرد، اما مهمتر از همه، او تجسم تناسخ ایدئولوژی روسی است که مدتهاست از استقلال سیاسی و اقتصادی کامل برخوردار است. پوتین پس از چند سال صرف پاک سازی روسیه از باتلاق الیگارش ها و مافیوزهاپی که سلف اش با بوتل های خالی ودکا و پیوه (بیر) از خود گذاشته بود، آستین ها را بالا زد و به کار بزرگ نوسازی روسیه و تقابل با نظم تک قطبی جان پرداخت.

از آنجا که مخالفان او در غرب ۲۵۰ سال از طریق استعمار بیمه شده توسط سلطه نظامی، کره زمین را غارت می کردند، پوتین می دانست که باید کار خود را با ساخت یک ماشین نظامی شکست ناپذیر شروع کند و این کار را کرد. او فرمان تولید انواع مختلفی از موشک های مافوق صوت توقف ناپذیر، بهترین سیستم های دفاعی زمین بزمین و زمین به هوا، هوا به هوا و هوا به زمین، بهترین سیستم های گریکس الکترونیکی و بهترین هواپیماها جنگی را داد. سپس برای تفهیم به حریفان که از فکر جنگ هسته ای بمثابة گزینه مناسب بگذرند؛ به مواردی دست یافت که از کابوس ها ساخته شده اند، مانند Sarmat (موشک بالستیک قاره پیما با برد بالا و خارق العاده، RS-28 Sarmat) با سرعت بیش از ۱۰ ماخ هر ۱ ماخ معادل ۱۲۳۴.۸ کیلومتر بر ساعت است) یک راکت سرمت می تواند سه تا پنج واحد آوانگارد ابرصوت (Hypersonic) را حمل کند، Poseidon (پوزئیدون سرور یا شوهر زمین نام یکی از خدایان یونان باستان که خدای آبهای شور و شیرین و دریاها، رودخانه ها، سیل، خشکسالی، زمین لرزه و اسبها) و Avangard (پیشتاز) همه غیرقابل توقف و قادر به نابودی هر کشور در زمان چند دقیقه و چند ساعت اند.

با داشتن زرادخانه ای جدید و بی همتا، او می تواند نیروی ناتو یا هر یک از شرکای آن را شکست دهد، همانطور که در سپتامبر ۲۰۱۵ در سوریه این کار را کرد. وی ثابت کرد که استقلال از سیستم بانکی NWO (نظم نوین جهانی) اکنون یک حق و یک موضوع انتخابی برای هر کشوری می باشد.

پوتین نه تنها در جنگ سوریه و کریمه پیروز شد، بلکه حمایت بسیاری از کشورهای جهان را با فهمیدن اینکه روسیه چقدر شکست ناپذیر شده است، نیز بدست آورد و این قوت باعث تغییر ناگهانی مواضع آنکشور ها شد. در سطح دیپلماتیک، چین قدرتمند را نیز در کنار خود قرار داد و سپس توانست از تولیدکنندگان مستقل نفتی مانند ونزوئلا و ایران محافظت کند،

در حالی که رهبرانی مانند اردوغان ترکیه و محمد بن سلمان از عربستان سعودی تصمیم گرفتند که در کنار روسیه قرار بگیرند، بدینگونه نه تنها بهترین دست پر را در بازی پوکر برایش چید، بلکه همه عرشه کشتی بازی را در اختیار گرفت.

در پایان به این نتیجه می‌رسیم که پوتین اکنون بازار قدرتمند نفت این منبع انرژی اجتناب ناپذیری که اقتصاد و ارتشها را روغن کاری می‌کند در کنترل دارد، در حالی که ناتو و بانکداران فقط می‌توانند بدون هیچ راهی برای بازپس‌گیری آن تماشا کنند. امپراتوری بانک‌ها پنج سال است که به سختی بیمار شده است، اما اکنون مورفین گرفته به اغما رفته و به سختی متوجه می‌شوند که چه خبرهای در راه است. پس از سقوط بانک «واشنگتن میوچوال» که در طول بحران مالی ۲۰۰۸ سقوط بانک سیلیکون ولی و بانک سیگنیچرسومین شکست بزرگ در تاریخ بانکداری ایالات متحده به حساب می‌آید، گفته میشود در بانکهای زیادی بسته خواهد شد و سقوط بانکهای بزرگ شکست اقتصادی را در قبال دارد.

پوتین جلسه‌ی با اوپک برگزار کرد و با امتناع از کاهش تولید روسیه و رساندن هر بشکه به زیر ۳۰ دلار، قیمت نفت را شکست و بدون هیچ دغدغه و پشیمانی، تولید پرهزینه نفت غرب را گشت. و در این تازه‌گی‌ها یکبار دیگر تولید نفت را کاهش دادند و بازار غرب را آسیب‌پذیر ساختند. **(جدول لحظه‌ای قیمت نفت)**

تمام دالرهایی که از بازار خارج شده بود، باید توسط فدرال رزرو و سایر بانک‌های مرکزی دوباره تزریق شود تا از سیر نزولی قیمت نفت و فاجعه نهایی جلوگیری شود. اکنون بانکداران محترم راه حلی ندارند.

دکترین جدید سیاست خارجی روسیه گواه و مصداق روشن تغییر جهشی در ساختار نظم کنونی جهانی است؛ در این سند آمده است:

➤ روسیه می‌کوشد تا چنین نظامی از روابط بین‌المللی را شکل دهد که امنیت قابل اعتماد، حفظ هویت فرهنگی و تمدنی، فرصت‌های توسعه برابر برای همه دولت‌ها را تضمین کند.

➤ روسیه در نظر دارد به منظور تسهیل انطباق نظم جهانی با واقعیت‌های جهان چندقطبی از بین بردن بقایای تسلط ایالات متحده و سایر کشورهای غیردوست در امور جهانی و ایجاد شرایط برای دست‌کشیدن از جاه‌طلبی‌های نو استعماری و هژمونیک هر کشوری را در اولویت قرار دهد.

در آن رویکرد مسکو نسبت به افغانستان نیز آمده است.

در بخشی از این سند ۷۴ ماده‌ای در قسمت «اوراسیا» آمده است: روسیه به دنبال تبدیل اوراسیا به یک فضای تمام‌قاره‌ای واحد از صلح، ثبات، اعتماد متقابل، توسعه و رفاه است.

در ادامه سند آمده است که از جمله ملزومات برای دستیابی به این هدف «حل و فصل همه‌جانبه در افغانستان، کمک به ساختن افغانستان به عنوان یک کشور مستقل، صلح‌آمیز و بی‌طرف با اقتصاد و نظام سیاسی باثبات است که منافع تمام اقوام ساکن در آنجا را تأمین می‌کند و چشم‌اندازی را برای ادغام افغانستان در فضای اوراسیا برای همکاری باز می‌نماید».

در ادامه سند می‌خوانیم: روسیه در نظر دارد به منظور تسهیل انطباق نظم جهانی با واقعیت‌های جهان چندقطبی از بین بردن بقایای تسلط ایالات متحده و سایر کشورهای غیردوست در امور جهانی و ایجاد شرایط برای دست‌کشیدن از جاه‌طلبی‌های نئو استعماری و هژمونیک هر کشوری را در اولویت قرار دهد.

پوتین پیش از این نیز تأکید کرده بود که تشکیل یک دولت فراگیر متشکل از همه اقوام افغانستان در اولویت روسیه و کشورهای منطقه است. و اما؛

آیا ما کُنشگر بیداری شرق میشویم و یا شهید کابوس شوقِ صحر و غلامان و تشنه‌ی جام شوکران؟!

